

فصلنامه تاریخ اسلام

سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰، شماره مسلسل ۴۷

رویکرد روان‌شناختی اجتماعی دینوری در الاخبار الطوال

تاریخ دریافت: ۸۹/۸/۱۶

تاریخ تأیید: ۸۹/۱۰/۲۰

دکتر محمدرضا جلالی*

زهرا علویان**

فاطمه سرخیل***

علم روان‌شناسی اجتماعی از علوم جدید محسوب می‌شود، اما در برخی از آثار دانشمندان و عالمان گذشته، توجه به عناصر مهم این علم و کاربردهای آن مشاهده می‌گردد. تاریخ‌نگاری یکی از علومی است که روان‌شناسی اجتماعی از دیرباز در آن کاربرد داشته است. برخی از مورخان به مؤلفه‌های مهم این علم توجه می‌کردند و برای تبیین و تحلیل علل رخدادهای تاریخی از آن استفاده می‌نمودند. بهره‌گیری از این علم می‌تواند در شناخت روحیات پدیدآورندگان آثار تاریخی هم به کار آید. این پژوهش به بررسی جایگاه علم روان‌شناسی اجتماعی در الاخبار الطوال، نوشته ابوحنیفه دینوری (۲۸۲ ق) می‌پردازد و با استفاده از مؤلفه‌های اصلی این علم می‌کوشد میزان دخالت ارزش‌ها در

* استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.

** کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم

*** کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم

تاریخ‌نگاری دینوری و دلیل نوع‌نگرش وی به برخی از موضوع‌های تاریخی را مشخص نماید.

واژه‌های کلیدی: دینوری، الاخبار الطوال، تاریخ‌نگاری، روان‌شناختی اجتماعی، روحیات مورخان.

مقدمه

تاریخ روند سیورورت و شدن آدمی است و عبارت از رخدادها، تحولات و اعمال واقعی انسان‌ها در گذشته است. که در جهان روی داده است.^۱ روان‌شناسی اجتماعی نیز دانشی است که به مطالعه علمی تأثیر متقابل افراد بر یک دیگر می‌پردازد و در صدد یافتن علل و چگونگی پیدایی رفتار، احساسات و افکار افراد در موقعیت‌های اجتماعی است.^۲ به بیان دیگر، روان‌شناسی اجتماعی به عنوان علم مطالعه رفتار متقابل میان انسان‌ها یا علم مطالعه تعامل انسان‌ها شناخته می‌شود.^۳

موضوع مورد مطالعه علم تاریخ «تاریخ» است. علم تاریخ می‌کوشد پدیده‌های تاریخی را شناسایی و تحلیل کند و این عرصه، حوزه عمل مورخ است.^۴ هر مورخ بسته به نوع نگرش، ارزش‌پذیری، باورمندی، تجربه‌های رفتاری و فضایی که در آن رشد کرده است رویکرد متفاوتی به مباحث تاریخی دارد و به همین سبب تاریخ‌نگاری‌های متعددی پدید آمده است.

از سویی دیگر شناخت رفتار اقتدار طلبان، جنگ‌جویان و همه کسانی که به نوعی سبب پدید آمدن رویدادهای تاریخی شده‌اند، تنها از طریق بررسی‌های روان‌شناختی شخصیت ایشان ممکن می‌شود. حضور افراد در گروه‌ها، ایفای نقش‌های اجتماعی و برخورداری از منزلت و مرتبه‌های اجتماعی، رقابت‌ها و منازعات درون و برون گروهی، سازکارهای فردی و اجتماعی در تعاملات متقابل، تکوین نگرش، بروز خشونت و بسیاری از این گونه مسائل تاریخی می‌توانند از منظر روان‌شناسی اجتماعی بررسی شوند.

بنابراین موضوعاتی مانند شناخت شخصیت مورخ و بررسی و شناخت افرادی که مسبب وقوع رخداد‌های تاریخی بوده‌اند از موضوعاتی هستند که بررسی و پژوهش آنها از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی می‌تواند کمک مؤثری به مطالعات تاریخی نماید. روان‌شناسی اجتماعی از علوم جدید محسوب می‌شود، اما نکات مهم و کلیدی آن از دیرباز مورد توجه بشر قرار گرفته و براساس توانایی و نوع نگرش مورخان در تاریخ‌نگاری کاربرد داشته است. برخی از اندیشمندان اسلامی، مانند ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ هـ)، خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ هـ) و ابن خلدون (۷۳۲ - ۸۰۸ هـ) در آثارشان به صورت مستقیم دیدگاه‌هایی درباره رفتار اجتماعی انسان ارائه کرده‌اند و برخی دیگر به صورت غیر مستقیم در تحلیل و تفسیر مطالب به رفتار اجتماعی انسان توجه کرده و از این علم کمک گرفته‌اند.

در این پژوهش می‌کوشیم تا با نوع نگرش دینوری و رویکرد خاص وی به رخداد‌های تاریخی از منظر روان‌شناسی اجتماعی آشنا شویم و شیوه به کارگیری برخی از شاخص‌های مهم روان‌شناسی اجتماعی در تاریخ‌نگاری وی را بررسی کنیم. هم‌چنین، در موارد معدودی به شیوه استفاده نقش آفرینان حوادث تاریخی از روان‌شناسی اجتماعی اشاره می‌نمائیم. مؤلفه‌های مهم روان‌شناسی اجتماعی که به نظر می‌رسد در تاریخ‌نگاری دینوری نقش کاربردی داشته‌اند و بر همین اساس در این پژوهش مبنای بررسی قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: نگرش، انگیزه، رهبری، برجسته‌سازی، برجسب، ناهماهنگی شناختی.

زندگی نامه دینوری

ابوحنیفه احمد بن داوود بن وند دینوری در دینور از توابع کرمانشاه متولد شد. دانش او برگرفته از دو مکتب بصره و کوفه به ویژه افرادی چون ابن سکیت و پدرش بود. وی در سال ۲۳۵ هـ ق به اصفهان رفت و در آنجا به کار ستاره‌شناسی، هیئت و ثبت نتایج محاسبات نجومی رصدخانه خویش مشغول گردید.^۶

دینوری علاوه بر ستاره‌شناسی در علمی دیگر مانند لغت، نحو، ادبیات، تاریخ، گیاه‌شناسی، حساب، جبر و هندسه، متبحر بود و آثاری درباره این علوم داشت.^۷ ابن ندیم او را فردی موثق می‌داند^۸ و سیرانی او را خوش گفتارتر از جاحظ معرفی می‌کند.^۹ دینوری سرانجام در سال ۲۸۲ ه‍.ق از دنیا رفت.^{۱۰}

مهم‌ترین آثار او عبارتند از: *النبات، الفصاحة، الانواء، القبلة و الزوال، حساب الدور، الرد على لغة، البحث في حساب الهند، البلدان، الجمع و التفريق، الجبر و المقابلة، الاخبار الطوال، الوصايا، نوادر الجبر، الشعر و الشعراء، ما يلحن فيه العامه، في النقط و الشكل لقرآن، اصلاح المنطق، جواهر العلم، ايزج، ضمائر القرآن، البيان، تفسير الدینوری (تفسیر قرآن)، الاخبار العرجی، الكسوف، حساب الخاطئين و كتاب الباه.*^{۱۱}

محتوای الاخبار الطوال

الاخبار الطوال مهم‌ترین اثر تاریخی دینوری از نخستین منابعی است که درباره تاریخ عمومی اسلام و ایران بر اساس روش موضوعی نوشته شده است. این کتاب از ابتدای خلقت تا دوران حکومت معتصم عباسی (م ۲۲۷) را گزارش می‌کند و آن را می‌توان به سه بخش تقسیم نمود.

بخش اول درباره حضرت آدم و فرزندانش و پیامبرانی مانند ادریس، نوح، هود، ابراهیم، اسماعیل، داوود و سلیمان تا ظهور عیسی است. در بخش دوم *الاخبار الطوال*

به طور مفصل به شرح زندگانی پادشاهان ایران، روم و یمن پرداخته شده است.

بخش سوم که بخش تاریخ اسلام به شمار می‌رود با روایت فتح ایران آغاز می‌شود و جنگ‌های اعراب مسلمان و ایرانیان را در زمان خلافت خلیفه دوم به تفصیل بیان می‌کند. هم‌چنین، در این بخش درباره دوران خلافت امیرالمؤمنین حضرت علی و شرح جنگ‌های جمل، صفین و نهروان، دوران حکومت امویان، آل زبیر، عباسیان و قیام‌هایی

مانند قیام مختار، قیام نفس زکیه و شورش بابک مطالب ارزش مندی روایت گردیده است.

سرگذشت شاهان ایرانی

دینوری در گزارش‌های تاریخی این بخش به نقش رهبری شاهان ایرانی می‌پردازد و به موارد متعددی از سخنان ایشان اشاره می‌کند که حاوی فضایل، خصلت‌های نیکوی اخلاقی، تدبیر و دوراندیشی در نحوه اداره حکومت است و قدرت برتر ایشان را در جهان نشان می‌دهد.

روان‌شناسان اجتماعی، رهبری را فرآیندی می‌دانند که طی آن یکی از اعضا برای نیل به اهداف ویژه گروه، سایر اعضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^{۱۲} از این دیدگاه رهبر باید نقش و جایگاه هر یک از افراد با توجه به توانایی‌های آنها مشخص نماید و روابط بین اعضا را با توجه به عمل‌کرد آنان سازمان‌دهی کند.^{۱۳}

دینوری نیز اغلب از بزرگی و قدرت پادشاهان ایرانی یاد می‌کند. و به نقش ایشان در سازمان‌دهی و اداره جامعه توجه ویژه می‌نماید. برای مثال از ساسان پسر بهمن به عنوان مردی خردمند، صاحب فرهنگ و فضیلت نام می‌برد و پادشاهی داریوش را بزرگ‌ترین پادشاهی روی زمین می‌داند که همگان سر به فرمان او داشته‌اند و با پرداخت خراج از او حذر می‌کرده‌اند.^{۱۴} وی در گزارشی که درباره فیروز پسر یزدگرد پسر بهرام گور می‌آورد به رهبری عادل و معنوی اشاره می‌کند که خراج را از مردم برداشت و مردم در مملکت او در پناه دادگرایش در سلامت، صحت و نعمت به سر می‌بردند.^{۱۵}

دینوری پس از برجسته سازی‌هایی که در نحوه اداره حکومت از سوی هرمز انجام می‌دهد، شخصیت او را به گونه‌ای مورد ستایش قرار می‌دهد که کمتر درباره شخصیتی تاریخی به چنین تحسینی دست زده است. او از هرمز با عنوان پادشاهای مظفر، منصور، با حسن سیرت، مهربان و دادگر یاد می‌کند که از هرگونه ستمگری به دور بود و مقصدی جز اصلاح امور رعیت نداشت.^{۱۶}

با این که دینوری در بیشتر گزارش‌های تاریخی به ویژگی‌های مثبت شاهان ایرانی

اشاره می‌کند، در موارد معدودی نیز از خطاهای برخی از ایشان یاد می‌کند و با الفاظی چون بزهکار، بدخو و بدون گذشت آنها را مذمت می‌نماید.^{۱۷} این امر نشان می‌دهد که با وجود تلاش دینوری برای برجسته‌سازی جایگاه مثبت شاهان ایرانی، او نتوانسته است برخی از نکات منفی رهبری ایشان را نادیده بگیرد.

دینوری اغلب لشکرکشی‌های سپاه ایران را برای برپایی عدالت و گرفتن حق مظلومان می‌داند. براساس گزارش‌های *الاخبار الطوال*، شاهان ایرانی ابتدا فرد متجاوز به حقوق دیگران را ارشاد می‌کردند و سپس در صورت تمرد و نافرمانی، دستور جنگ با او و فتح سرزمینش را صادر می‌نمودند.^{۱۸}

دینوری در نقل گزارش‌های این چنینی، انگیزه‌مند و با رویکرد و نگرش ایجابی به عنصر ایرانی پیش می‌رود تا باوری مثبت در ذهن خواننده ایجاد کند. با توجه به گزارش‌های یاد شده و سایر گزارش‌های مربوط به شاهان ایرانی، رگه‌هایی قوی از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی درباره بحث رهبری در *الاخبار الطوال* مشاهده می‌شود.

ایران باستان

از منظر روان‌شناسی اجتماعی، نگرش عبارت است از روشی نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به افراد، گروه‌ها و موضوع‌های اجتماعی یا قدری وسیع‌تر، هرگونه حادثه‌ای در محیط فرد.^{۱۹} روان‌شناسان اجتماعی مایلند بدانند که تعلقات گروهی چه تأثیری در نگرش‌های پیش‌داورانه یا تبعیض‌آمیز دارد و نگرش‌های پیش‌داورانه چگونه بر نحوهٔ پردازش و تفسیر افراد از اطلاعات اثر می‌گذارد.^{۲۰}

در پژوهش‌های تاریخی نیز توجه به نوع نگرش مورخ به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد نقد راوی مورد توجه پژوهشگران است و اثرگذاری نوع نگرش مورخ بر چگونگی نحوهٔ تبیین و تفسیر وقایع تاریخی، یکی از اصول پذیرفته شده این حوزه محسوب می‌شود.

بینش و نگرش دینوری نیز در تاریخ‌نگاری وی تأثیری جدی داشته است و بررسی

گزارش‌های *الاخبار الطوال* درباره ایران باستان، نوع نگرش دینوری به این دوران و شیوه برجسته سازی مثبت فعالیت‌های ایرانیان را در این اثر به خوبی نشان می‌دهد. هم چنین در این گزارش‌ها رگه‌هایی از توجه دینوری به مبحث نوع نگرش ایرانیان باستان پیرامون برخی از مسائل مهم این عصر قابل مشاهده است.

به عنوان نمونه روایت‌های مطرح شده پیرامون مسئله خراج در ایران باستان مؤیدی بر نگرش سیاست‌نامه‌ای دینوری در اداره حکومت و تنظیم و تثبیت امور مالیاتی و اقتصادی از سوی شاهان ایرانی، به خصوص در روزگار انوشیروان است.

هم چنین، او در روایتی شرح می‌دهد که، خراج بر پایه درآمد غلات و بسته به نوع و کیفیت محصول و نزدیکی به شهر به صورت یک سوم، یک چهارم، یک پنجم و یک دهم برنامه‌ریزی شد، اما قبل از مساحی زمین‌ها قباد از دنیا رفت. پس از آن، این امر در روزگار خسرو انوشیروان پی‌گیری و اجرا شد. او خراج را بر چهار گروه اختصاص داد و گروه‌هایی مانند خاندان‌های اصیل، مرزبانان، سران لشکر، دبیران، خدمت‌گزاران، اشخاص کمتر از بیست و بیشتر از پنجاه سال، بینوایان و مردم بیمار زمین‌گیر را از پرداخت خراج معاف کرد.^{۲۱}

با دقت در روایت بالا می‌توان به توجه دینوری به نگرش اقتصادی متکی بر محور عدالت‌خواهی، توجه به اقشار مختلف جامعه و نظارت سخت‌گیرانه بر اجرای آئین‌نامه مربوط به خراج در ایران باستان پی برد.

دینوری گزارش مفصلی از زندگی و چگونگی به پادشاهی رسیدن خسرو پرویز تا زمان استواری پادشاهیش و پس از آن می‌آورد، اما کوچک‌ترین اشاره‌ای به نامه پیامبر

اکرم **۶** و برخورد خسرو پرویز با فرستادگان آن حضرت نمی‌کند.

شیوه گزارش وقایع حکومت خسرو پرویز عدم بیان نکات منفی حکومت وی، برجسته‌سازی ایران باستان را در *الاخبار الطوال* نشان می‌دهد. گرایش و نگرش مثبت دینوری به ایرانیان بر این بخش از تاریخ نگاری وی سایه افکنده است و او به سبب این

رویکرد، برخی مسائل و شخصیت‌ها را برجسته می‌سازد و برخی را کنار می‌گذارد و از نظر می‌اندازد. به عنوان نمونه، توجه خاص دینوری به عنصر ایرانی و برجسته‌سازی ایران باستان سبب می‌شود که او حتی روایتی را که اسکندر را فردی ایرانی می‌داند،^{۲۲} برجسته سازد و بر این اساس اسکندر نیز چون ایرانی پنداشته می‌شود. برجستگی و شکوه می‌یابد، در واقع صفات مطلوبی که دینوری برای شاهان بزرگ ایرانی می‌شناسد و یا می‌شناساند برخاسته از این نگرش وی است.

دینوری در چندین صفحه از فتوحات و لشکرکشی‌های اسکندر سخن می‌گوید و خبرهایی دربارهٔ همراهی او با ارسطو طالیس که به تصریح دینوری از «بازماندگان نیکوکاران فیلسوف و دانشمندان یکتاپرست بوده و شرک نمی‌ورزیده»^{۲۳} و در هدایت و راهنمایی اسکندر نقش بسیار مهمی داشته است، بیان می‌کند.

فتح ایران از سوی اعراب مسلمان و انگیزه‌های مادی

انگیزه در روان‌شناسی علت و دلیل انجام رفتار از سوی فرد و یا گروهی را نشان می‌دهد و در روان‌شناسی اجتماعی می‌توان سه نظریه انگیزشی؛ رضای نیاز، تصمیم‌گیری عقلایی و تبادل اجتماعی را مشخص کرد.^{۲۴} دینوری نیز در کتاب خود به این مسئله توجه می‌کند و بررسی و دقت در انگیزه سپاهیان اسلام از فتح ایران نشان دهندهٔ رویکرد وی به مبحث انگیزه در روان‌شناسی اجتماعی است. در گزارش‌های مفصلی که در *الاخبار الطوال* دربارهٔ فتح ایران و رویارویی سپاه اسلام با ایرانیان مشاهده می‌کنیم، تشویث و ترغیب مسلمانان برای شرکت در جنگ با تحریص آنها نسبت به غنائم جنگی قابل تأمل است. این موضوع در گزارش‌هایی مانند خبر جنگ عقبه با مردم مذار قابل مشاهده است. در این جریان، بعد از این که مرزبان آن ناحیه گردن زده شد و جامه و کمر بند او را که قطعاتی از یاقوت داشت برای خلیفه دوم فرستادند، مسلمانان که یک‌دیگر را به فتح بشارت می‌دادند به گرد فرستاده جمع شدند و از او درباره جنگ بصره پرسیدند و فرستاده به ایشان گفت که مسلمانان در آن شهر در زر و سیم غوطه‌ورند. به دنبال این خبر، مردم رغبت فراوان

برای رفتن به بصره نشان دادند.^{۲۵}

در خبرهایی مانند گزارش بالا که در *الاخبار الطوال* به شرح این جنگ‌ها پرداخته شده است، در بیشتر موارد انگیزه سپاه اسلام از فتح ایران، رسیدن به منافع اقتصادی، کسب غنیمت و دستیابی به کنیزان زیباروی بیان می‌گردد و کمتر به مفاهیمی ارزشی، چون گسترش اسلام و عدالت‌خواهی اشاره می‌شود.

به نظر می‌رسد ارتباط گسترده دینوری با ایرانیان و حضور او در اصفهان، سبب علاقه وی به ایرانیان شده است و او با آن که گرایش شعوبی ندارد، اما بر اساس انگیزه‌های ویژه‌اش که در علم روان‌شناسی اجتماعی از آن با عنوان تبادل اجتماعی نام می‌برند به صورت مستقیم به خطاهای اعراب اشاره می‌کند و رفتار مثبت آنها را نادیده می‌گیرد.

دوران خلافت سه خلیفه اول

در بخش تاریخ اسلام واگرایی دینوری در برجسته‌سازی برخی شخصیت‌ها به وضوح آشکار است. به عنوان مثال، با وجود اعتراف حتی روایات منقول در کتاب‌های اهل سنت به سخت‌گیری و خشن بودن خلیفه دوم،^{۲۶} دینوری روایت‌هایی را در جریان جنگ مسلمانان با ایرانیان پیرامون شخصیت خلیفه دوم بیان می‌کند که بیشتر گویای تواضع و فروتنی او است.

دینوری در *الاخبار الطوال* از دوران خلافت عثمان بن عفان فقط به چند سطر اکتفا می‌کند و از نحوه عمل‌کرد خلیفه سوم فقط به عزل بعضی از یاران پیامبر **6** و نصب بستگانش به جای آنها اشاره می‌کند.^{۲۷}

او در جریان به خلافت رسیدن حضرت علی و راه افتادن جریان فتنه به خون‌خواهی عثمان، روایت‌هایی را مرتب تکرار می‌کند و برجسته می‌سازد که گویای صفات راست‌گویی، پرهیزگاری و مظلومانه کشته شدن خلیفه سوم است و این که کسانی که او را به قتل رساندند، گروهی بدبخت بوده‌اند.^{۲۸} هم چنین او روایتی را بیان می‌کند که به صراحت این قتل را بر گردن پسران عبدالمطلب می‌اندازد.^{۲۹}

مغفول گذاردن و نپرداختن به کل دوران خلافت خلیفه سوم و غلظت و شدت بخشیدن به قتل و مظلومیت او، مؤید نوعی ناهماهنگی شناختی در دینوری است. همان‌گونه که موضع و نگرش ایرانی‌گرایی وی در مقایسه با تحسین‌هایش از خلیفه دوم ناشی از همین ناهماهنگی است. از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی زمانی فرد دچار ناهماهنگی شناختی شده است که رفتار و عمل فرد با اطلاعات و آگاهی‌های ذهن و نظری وی انطباق ندارد.^{۳۰}

دوران خلافت امیرالمؤمنین علی

دینوری برای بیان دوران خلافت و گرفتاری‌های امیرالمؤمنین علی، پس از بیعت مردم با ایشان، به تفصیل جریان اتحاد طلحه، زبیر و عایشه همسر پیامبر 6 در به راه‌اندازی جنگ جمل، سر باز زدن معاویه از بیعت با امیرالمؤمنین حضرت علی، شروع جنگ صفین، خروج تعدادی از همراهان آن حضرت به سوی نهروان، جنگ نهروان و ریخته شدن خون بسیاری از مسلمانان را شرح می‌دهد.

در روایت‌های نقل شده، نکاتی دیده می‌شود که با برخی از مسائل مطرح در روان‌شناسی اجتماعی تطبیق دارند و نشان می‌دهند که چگونه نقش آفرینان حوادث این مرحله از تاریخ اسلام در عمل‌کردشان در هنگامه رویارویی با مسائل از روش‌های این شاخه از علم بهره می‌گرفتند.

به عنوان نمونه، با بررسی روایت‌های *الاخبار الطوال* مشاهده می‌شود که در به راه‌اندازی جنگ صفین و مخالفت با خلافت امیرالمؤمنین حضرت علی، معاویه با هم‌فکری عمرو عاص از شیوه «برچسب زنی» و علم کردن پیراهن خونین عثمان برای تحریک عامه مردم استفاده کرد.^{۳۱}

هم‌چنین تلاش معاویه در جنگ طلبی برای انتقام خون خلیفه و جدیت و تعصب او در این راه، بر این بود که مردم کوتاهی او را در دوران محاصره خلیفه سوم فراموش کنند.

در واقع تلاش برای انتقام خون خلیفه سوم، از جانب معاویه، به دو هدف صورت می‌گرفت:

۱- سرپیچی از بیعت با امیرالمؤمنین حضرت علی ؛

۲- باطل سازی رفتار اولیه‌اش در کوتاهی از یاری رساندن به عثمان.

او می‌کوشید که به ظاهر بهانه موجهی برای مقابله با خلیفه جدید و سرپیچی از بیعت داشته باشد. این رفتار عکس العمل سازانه، باطل سازی و توجیه رفتار نشأت گرفته از نوعی «سازوکار دفاعی» است که معاویه به کار می‌برد.

با بررسی روند ارائه گزارش‌های این بخش از *الاخبار الطوال* به نظر می‌رسد در این بخش از تاریخ اسلام، بیشترین توجه دینوری به نقش رهبری و رابطه متقابل رهبر و پیروان بوده است. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شده موضوع رهبری از مهم‌ترین مسائل مطرح شده، در روان‌شناسی اجتماعی است.

با مطالعه وقایع این مرحله از خلافت در *الاخبار الطوال*، مشاهده می‌شود که در جنگ‌های جمل و صفین، عده زیادی از همراهان امیرالمؤمنین حضرت علی با صراحت و بی‌پروا با رأی و نظر آن حضرت به مخالفت می‌پردازند. زمانی که در جنگ صفین، شامیان قرآن‌ها را برافراشتند و موجب تزلزل در سپاه حضرت علی شدند، آن حضرت خطبه خواند و سپاهیان را از مکر و حيله شامیان آگاه کرد و یاد آور شد که دشمن از ادامه جنگ درمانده شده و تا پیروزی راهی نمانده است و فرمود:

ای بندگان خدا! من از هر کسی شایسته‌ترم که دعوت به کتاب خدا را

بپذیرم.^{۳۲}

اما یاران آن حضرت سخن ایشان را نپذیرفتند و هر کدام چیزی گفتند و به حکمیت رضایت دادند. علی‌رغم این که امیرالمؤمنین حضرت علی عدم اطمینان خود را از خرد و دوراندیشی ابوموسی اشعری اعلام کردند، اما بسیاری از یاران ایشان، مانند اشعث و قرآن خوانان عراق، فقط به حکمیت ابوموسی رضایت دادند. آن‌گاه امیرالمؤمنین

حضرت علی فرمود:

گویا قصد دارید که فقط ابو موسی را بر این کار بگمارید و دیگری را

نپذیرید: گفتند آری و حضرت به ایشان فرمود: هر چه می‌خواهید بکنید.^{۳۳}

این گزارش‌ها به خوبی نشان دهنده موقعیت رهبری در عراق آن عصر است و دینوری توفیق یافته در آفرینش بافتی متضاد، امکان مقایسه‌ای عینی میان امیرالمؤمنین حضرت علی و پیروانش از یک سو و معاویه و پیروانش را از سوی دیگر فراهم آورد. در این بافت مقایسه‌ای آشکار می‌شود که اطاعت‌پذیری پیروان معاویه، او را در پیش‌برد خواسته‌هایش مدد می‌رساند، اما فقدان اطاعت‌پذیری از سوی پیروان امیرالمؤمنین حضرت علی و نوعی تعامل نظارت‌گونه بر رهبر، بازدارنده آن حضرت از اتخاذ تصمیم‌های مورد نظرش بود. که این امر اطاعت‌پذیری سنتی از رهبر را منتفی می‌سازد.

سیره امیرالمؤمنین علی

با این که روایت‌های بی‌شماری در معرفی فضایل امیرالمؤمنین علی از جانب پیامبر اکرم **6** و یاران آن حضرت وجود دارد، اما در این زمینه، روایت‌های بسیار محدودی در *الاخبار الطوال* به چشم می‌خورد.

به نظر می‌رسد نوع نگرش و پیش‌داوری‌های دینوری سبب کوتاهی وی در نقل فضایل امیرالمؤمنین حضرت علی شده است.

از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی «پیش‌داوری، قضاوت زود هنگام، پندار یا احساسی ویژه نسبت به یک موضوع است که معمولاً قبل از جمع‌آوری و بررسی اطلاعات لازم پدید می‌آید و بر شواهد ناکافی و یا حتی خیالی مبتنی است».^{۳۴} پیش‌داوری نسبت به افراد و گروه‌های اجتماعی معمولاً به صورت نگرش در می‌آید که این امر در کوتاهی کردن در نقل فضایل امیرالمؤمنین حضرت علی در *الاخبار الطوال* مشاهده می‌شود.

نامه زیر از روایت‌های نادری است که در این زمینه به آن اشاره شده است. دینوری در

این روایت به نقل نامه‌ی که حضرت علی در جواب معاویه در جنگ صفین نوشت، می‌پردازد و متن نامه را به شرح زیر بیان می‌کند:

بسم الله الرحمن الرحيم، نامه‌ات به من رسید. گفته بودی که اگر می‌دانستی و می‌دانستیم کار جنگ به این جا می‌کشید بر خود چنین ستمی روا نمی‌داشتیم. بدان که تو و ما را در این جنگ هدفی است که هنوز به آن نرسیده‌ایم و این که گفته بودی در بیم و امید برابریم، بدان که تو در شک و تردید خود پایدارتر از من در یقین من نیستی و شامی‌ها هم بر دنیا حریص‌تر از عراقی‌ها بر آخرت نیستند، اما این که گفته‌ای ما همگان فرزندان عبدمنافیم و هیچ یک از ما بر دیگری برتر نیست. ابوسفیان چون ابوطالب نیست، مهاجران با بردگان آزاد شده یکسان نیستند، فضل نبوت در دست ماست که در پناه آن عزیز را کشتیم و شخص زبون مطیع ما شد.^{۳۵}

امیرالمؤمنین آن قدر زیبا و محکم از روان‌شناسی و تاریخ در این نامه استفاده نموده است که حتی دینوری نیز با انگیزه‌های ویژه‌اش از این نامه در *الاخبار الطوال* یاد کرده است. با بررسی این نامه مشاهده می‌شود که امام علی به صراحت، همانند سازی معاویه با بزرگان و یکی دانستن اصل و نسب خود با امیرالمؤمنین را افشا و رد نموده است و با انجام مقایسه‌های روشن و قرینه سازی‌های آشکار، کهنتری و عقده کهنتری معاویه را که میراثی از گذشته است، باز می‌شناساند.

شهادت امیرالمؤمنین حضرت علی

پیرامون شهادت امیرالمؤمنین حضرت علی و قصاص ابن ملجم، قاتل آن حضرت روایت‌هایی را در *الاخبار الطوال* می‌بینیم که موافق روایت‌های مشهور نیست. برای نمونه، دینوری شهادت آن حضرت را در مسجد و نه در محراب نماز

می‌داند.^{۳۶} حال آن که ضربت خوردن معاویه را در محراب نماز می‌داند.^{۳۷} هم چنین روایت دینوری درباره قصاص ابن ملجم بسیار قابل تأمل است. در حالی که گزارش اغلب منابع از قصاص ابن ملجم معطوف به روح بلند و لطیف اولیاء دم امیرالمؤمنین حضرت علی، به خصوص امام حسن است که به سفارش امیرالمؤمنین با او به رأفت و رحمت عمل فرمود. دینوری گزارشی را می‌آورد که از مثله کردن ابن ملجم حکایت می‌کند.^{۳۸} که با آن چه از شخصیت اهل بیت می‌شناسیم سازگار نیست و نقل چنین روایتی از انگیزه و نوع نگرش دینوری نشأت گرفته است.

برخورد معاویه با اهل بیت و شیعیان پس از شهادت امیرالمؤمنین علی

مغفول گذاشتن بعضی خبرها و برجسته کردن برخی دیگر در *الاخبار الطوال* پیرامون سرگذشت شیعیان و ائمه : به گونه‌ای است که گویی در این دوران هیچ اجحافی بر آنان وارد نشده است. و بر عکس، برخی روایت‌های نادرست و خلاف واقعیت و در حمایت حکومت بنی امیه در *الاخبار الطوال* دیده می‌شود به عنوان نمونه، او می‌نویسد:

گویند در مدت زندگی معاویه، هیچ‌گونه بدی یا کار ناپسندی از او نسبت به امام حسن سر نزد و او هیچ چیز از اموری را که شرط کرده بود از آنان دریغ نداشت و در نیکی کردن نسبت به آنها نیز تغییر روش نداد.^{۳۹}

حال آن که مسموم کردن امام حسن^{۴۰} و ممانعت از دفن آن حضرت در کنار مرقد جدش^۶ به فرمان حاکم معاویه در مدینه،^{۴۱} عمل نکردن به مفاد صلح نامه،^{۴۲} کشتن حجر بن عدی،^{۴۳} رسمیت بخشیدن به ناسزاگویی و سب امیرالمؤمنین حضرت علی^{۴۴} از جانب معاویه بوده و دینوری این واقعات را نادیده گرفته است.

قیام عاشورا

دینوری وقایع کربلا را به صورت مفصل بیان می‌کند، اما گاهی خبرهایی را نقل

می‌کند که در شأن امام معصوم و یاران آن حضرت نیست. بسیاری از این گونه، خبرهای *الاخبار الطوال* با مقاتل اهل سنت و شیعیان تفاوت‌هایی اساسی دارد و بیشتر با خبرهای جعلی دستگاه اموی همخوانی دارد.

قطعاً این گونه گزارش کردن به سبب ترس از دستگاه حکومت نبوده است، چرا که مورخان هم عصر او این چنین عمل نکرده‌اند. و این بخش از *مطالب الاخبار الطوال*، مانند نمونه‌های قبلی، نشان دهنده انگیزه و نگرش دینوری است. به عنوان نمونه، دینوری از دو پسر با نام‌های علی اصغر که در سن بلوغ بوده و عمر که چهار سال داشته است به عنوان بازماندگان امام حسین بعد از کربلا یاد می‌کند و در این باره می‌نویسد:

یزید فرمان داد زنان و فرزندان را به حرم سرای او ببرند و هرگاه یزید غذا می‌خورد علی بن حسین و برادرش عمر را فرا می‌خواند و همراه او غذا می‌خوردند. روزی به عمر گفت: آیا حاضری با این پسر خالد کشتی بگیری؟ و خالد هم سن و سال او بود (یعنی چهار سال). عمر گفت: بهتر است شمشیری به من بدهی و شمشیری به او تا با او جنگ کنم و تو بنگری که کدام یک از ما پایدارتریم. یزید او را در آغوش گرفت و این مثال را گفت: خوی و عادت است که از اخزم آن را می‌شناسم و مگر ما جز ما می‌زاید.^{۴۵}

بررسی خبرهای مستند از واقعه کربلا نشان می‌دهد که از فرزندان ذکور امام حسین، تنها یک فرزند (علی وسطی) باقی مانده است که بنا بر نقل مشهور در این تاریخ حدود بیست و دو سال داشته است.

هم چنین خطبه‌ای که حضرت علی بن حسین در مجلس یزید ایراد کرده بیان‌گر نوع برخورد آن حضرت با دستگاه اموی است. این خطبه، چنان عمق فاجعه را در نظر حاضران نمایان ساخت که صدای شیون و زاری مجلس یزید را فرا گرفت و در این حال

یزید از به هم ریختگی پایه‌های حکومتش به وحشت افتاد. در چنین شرایط مصیبت باری، چگونه ممکن است که آن حضرت هر روز با طیب خاطر با یزید، قاتل پدر و برادرانش هم سفره شود و ناراحتی و اندوهی در سخنانش دیده نشود. چنین رویکرد و نقل قول‌هایی و برجسته‌سازی روایت‌های ضعیف و مخدوش برگرفته از انگیزه و نگرش دینوری است که او را از تحقیق و رسیدن به اصل ماجرا دور می‌سازد.

قیام مختار

قیام مختار از گزارش‌هایی است که دینوری در *الاخبار الطوال* آن را به تفصیل شرح می‌دهد. او برخی از گزارش‌ها دربارهٔ این قیام را برجسته می‌سازد و این برجسته‌سازی را به گونه‌ای انجام می‌دهد که انگیزه رهبری این قیام را دستیابی به هدف‌های شخصی، سیاسی و منافع مادی نشان می‌دهد و شعار عدالتخواهی و خون‌خواهی اهل بیت را دست‌آویز و مستمسکی برای رسیدن به منافع پنهانی داعی این قیام معرفی می‌کند. او در روایتی نقل می‌کند که چگونه مختار برای مجاب کردن مردم کوفه برای قیام و ثابت نمودن این که او فرستاده محمد حنفیه است چند شاهد را به مردم کوفه معرفی می‌کند. شعبی برای دانستن واقعیت این ماجرا تحقیق می‌کند و سرانجام اعلام می‌نماید که:

در این هنگام دانستم که مختار دروغ می‌گوید و فریب می‌دهد و از کوفه

بیرون آمدم و به حجاز رفتم و در هیچ یک از آن حوادث شرکت نکردم.^{۴۱}

دینوری با بیان گزارش بالا، مختار را دروغ‌گو می‌داند. او در روایت دیگری مختار را فردی دنیا طلب معرفی می‌کند و به ظاهر از سرانجام کار او نیت قیامش پرده‌برداری می‌کند و در این باره می‌نویسد:

مختار از شدت محاصره سخت پریشان شد و به سائب بن مالک اشعری که

از خواص او بود، گفت: ای شیخ اکنون بیا برای دفاع از شرف و نسب خود، نه برای دین از حصار بیرون آییم و جنگ کنیم. سائب انا الله و انا الیه راجعون بر زبان آورد و به مختار گفت: مردم چنین می‌پندارند که قیام تو برای دین است. مختار گفت: نه به جان خودم سوگند که فقط برای طلب دنیا بود؛ زیرا دیدم عبدالملک بن مروان بر شام، عبدالله بن خازم بر خراسان پیروز شده‌اند و من از هیچ یک کمتر نبودم، اما نمی‌توانستم به مقصود خود دست یابم مگر با دعوت مردم به خون خواهی امام حسین^{۴۷}.

نتیجه

الاخبار الطوال یکی از منابع مهم تاریخی است که توجه به آن در پژوهش‌های تاریخی اهمیت فراوانی دارد. بررسی ابعاد مختلف این کتاب با رویکردی روان‌شناختی و بر اساس مؤلفه‌های علم روان‌شناسی اجتماعی نشان می‌دهد نشانه‌هایی از توجه دینوری به مؤلفه‌های مهم این علم در تاریخ‌نگاری وجود دارد. برجسته‌سازی عواملی مانند نقش رهبری و انگیزه‌های افراد و گروه‌ها بیان‌گر توجه او به اهمیت استفاده از مسائل روان‌شناختی در تبیین و تفسیر رخدادهای تاریخی است.

هم چنین استفاده از علم روان‌شناسی اجتماعی برای شناخت تاریخ‌نگاری دینوری مشخص می‌سازد که او نتوانسته است فارغ از تعصبات و تعلقات خویش به رخدادهای تاریخی بنگرد و واقعیات را مطرح سازد. نوع نگرش و باورهای دینوری سبب شده است که او به برخی از موضوعات تاریخی به خصوص آن چه در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت بر اساس پیش‌داوری‌هایش بنگرد.

دینوری به سبب هم‌نشینی با ایرانیان با نگرشی مثبت به تاریخ ایشان می‌پردازد و در *الاخبار الطوال* با نگاهی ایجابی و هدفمند به عنصر ایرانی توجه می‌کند و حتی انگیزه اصلی سپاه اسلام را در فتح ایران، انگیزه مادی معرفی می‌نماید. اهمیت نقش رهبری در

نظر دینوری باعث شده است که او به برجسته‌سازی صفات نیکوی پادشاهان ایرانی پردازد و در بیشتر موارد از میان اشتباهات ایشان درگذرد. در مقابل در مواردی مانند قیام مختار که مورد علاقه وی نبوده است به تضعیف نقش رهبری می‌پردازد و آن را فاقد انگیزه‌های دینی و فقط برای دستیابی به منافع مادی معرفی می‌کند.

جهت‌گیری‌های دینوری و دخالت ارزش‌ها در تاریخ‌نگاری وی تا جایی پیش می‌رود که فضایل مربوط به امیرالمؤمنین حضرت علی را نادیده می‌گیرد و در مقابل از بسیاری از خطاهای معاویه چشم‌پوشی می‌کند. او اخبار مربوط به دوران اموی را چنان جهت‌دار بررسی می‌کند که حتی رفتار معاویه را با اهل بیت پیامبر **6** از جمله امام حسن و امام حسین مناسب معرفی می‌نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. علیرضا ملائی توانی، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶، ص ۲۰.
۲. مسعود آذربایجانی و دیگران، *روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۲، ص ۸.
۳. یوسف کریمی، *روانشناسی اجتماعی*، چاپ اول، تهران: بعثت، ۱۳۷۳، ص ۱۰.
۴. علیرضا ملائی توانی، *پیشین*.
۵. گروهی از پژوهشگران، *دائرة المعارف تاریخی (فرهنگ نامه مؤلفان اسلامی)*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴.
۶. رسول جعفریان، *منابع تاریخ اسلام*، چاپ اول، قم: انصاریان، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹.
۷. محمد بن اسحاق ندیم، *الفهرست*، تحقیق محمدرضا تجدد، چاپ اول، تهران: مروی، ۱۳۹۳ هـ ق، ص ۸۶.
۸. همان.
۹. الصفدی، *الوافی بالوفیات*، تحقیق احمد الأرنا و وط و ترکی مصطفی، بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۶، ص ۲۳۳.
۱۰. محمد بن اسحاق ندیم، *پیشین*.
۱۱. گروهی از پژوهشگران، *دائرة المعارف تاریخی (فرهنگ نامه مؤلفان اسلامی)*، *پیشین*، ص ۱۳۴-۱۳۵.
۱۲. مسعود آذربایجانی و دیگران، *پیشین*، ص ۴۳۵.
۱۳. همان، ص ۱۸.

۱۴. احمد بن داوود دینوری، *الاخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ ششم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴، ص ۵۴.
۱۵. همان، ص ۸۷.
۱۶. همان، ص ۱۰۶.
۱۷. همان، ص ۷۸.
۱۸. همان، ص ۹۸.
۱۹. مسعود آذربایجانی و دیگران، *پیشین*، ص ۱۳۷.
۲۰. همان، ص ۱۹.
۲۱. احمد بن داوود دینوری، *پیشین*، ص ۱۰۰.
۲۲. همان، ص ۵۴.
۲۳. همان، ص ۵۵.
۲۴. یوسف کریمی، *پیشین*، ص ۵۵.
۲۵. احمد بن داوود دینوری، *پیشین*، ص ۱۴۹.
۲۶. چنان که هیبت و هول انگیز بودن تازیانه عمر معروف بود. ر. ک: ابن ابی الحدید، *جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۷۹؛ محمد بن سعد کاتب واقدی، *طبقات الکبری*، تهران: فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۴۲.
۲۷. احمد بن داوود دینوری، *پیشین*، ص ۱۷۴، ص ۱۷۵.
۲۸. همان، ص ۱۹۳.
۲۹. همان، ص ۱۹۲.
۳۰. رینال اتکینسون - ریچاردس اتکینسون - ارنست هلیگارد، *زمینه روان‌شناسی*، ترجمه محمدتقی براهن و دیگران، چاپ اول، تهران: رشد، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۵.

۳۱. احمد بن داوود دینوری، پیشین، ص ۱۸۰.
۳۲. همان، ص ۲۳۳.
۳۳. همان، ص ۲۳۶.
۳۴. مسعود آذربایجانی و دیگران، پیشین، ص ۱۸۳.
۳۵. احمد بن داوود دینوری، پیشین، ص ۲۳۹.
۳۶. همان، ص ۲۶۱.
۳۷. همان، ص ۲۶۲.
۳۸. همان.
۳۹. همان، ص ۲۷۳.
۴۰. محمد بن سعد کاتب واقدی، پیشین، ج ۵، ص ۳۳۸.
۴۱. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۷۹۱؛ عزالدین علی بن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ هـ، ج ۳، ص ۴۶۱.
۴۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۲۷۱۷.
۴۳. همان، ص ۲۸۴۲.
۴۴. ابن ابی الحدید، پیشین، ص ۱۱.
۴۵. احمد بن داوود دینوری، پیشین، ص ۳۰۷.
۴۶. همان، ص ۳۳۵ - ۳۳۶.
۴۷. همان، ص ۳۵۱.